



فضیلت و فواید تربت امام حسین (ع)

مقصد سوم در فصل هفتم از باب زیارات: کیفیت زیارت امام حسین علیه السلام و زیارت حضرت عباس؛ زیارات مخصوصه؛ در اواخر این فصل، اوقات زیارت امام حسین علیه السلام را بیان می‌کنیم:

تدیل^۱ بدانکه روایات بسیار وارد شده که در تربت آن حضرت شفای هر درد و مرض است مگر مرگ و امان است از بلاها و باعث اینمی از هر خوف و بیم است و اخبار در این باب متواتر است و معجزاتی که به سبب این تربت مقدسه ظاهر گردیده است زیاده از آنست که ذکر شود و من در کتاب فوائد الرضویه که در تراجم علماء امامیه است در احوال سید محمد محدث متبحر آقا سید نعمه الله جزائری ره نوشتم که آن سید جلیل در تحصیل علم رحمت بسیار کشیده و سختی و رنج بسیار برده و در اوایل تحصیل چون قادر نبوده بر چراغ به روشنی ماه مطالعه می نموده لاجرم از کثرت مطالعه در ماهتاب و بسیار چیز نوشتن و مطالعه کردن چشمانش ضعف پیدا کرده بود پس بجهت روشنی چشم خود به تربت مقدسه حضرت سید الشهداء علیه السلام و تراب مراقد شریفه ائمه عراق علیهم السلام اکتحال می کرد و به برکت آن تربت ها چشمش روشن می گشت و نیز نگاشتم که مبادا اهالی عصر ما بواسطه معاشرت با کفار و ملاحده این مطلب را استعجاب نمایند همانا کمال الدین دمیری در حیوه الحیوان نقل کرده که افعی هرگاه هزار سال عمر کرد چشمانش کور می شود حق تعالی او را ملهم فرموده که برای رفع کوری خود چشم خود را به رازیانج تر بمالد لاجرم با چشم کور از بیابان قصد می کند بساتین و جاهائی را که رازیانج در آنجا باشد و اگر چه مسافتی طویل در بین باشد پس خود را می رساند به آن گیاه و چشم خود را بر آن می مالد روشنی چشم او بر می گردد و این مطلب را زمخشri و غیره نیز نقل کرده اند پس هرگاه حق تعالی در یک گیاه تری این خاصیت قرار داده باشد که مار کور پی به آن ببرد و بهره خود را از آن بگیرد چه عجب و استبعادی دارد که در تربت پسر پیغمبر صلوات الله علیه و آله که در راه او خودش و عترتش کشته شده شفاء از جمیع امراض و فوائد



و برکاتی قرار داده باشد که شیعیان و محبان او از آن بهره ها برند و ما در این مقام به ذکر چند خبر
قناعت می کنیم.

اول روایت شده که حوریان بهشت چون یکی از ملائکه را می بینند که از برای کاری بر زمین می
آید از او التماس می کنند که برای ما تسبيح و تربت قبر امام حسین علیه السلام به هدیه بیاور.

دوّم به سند معتبر منقول است که شخصی گفت حضرت امام رضا علیه السلام برای من از خراسان
بسـتـه متـاعـی فـرـسـتـاد چـون گـشـودـم در مـیـان آـن خـاـکـی بـود اـز آـن مـرـد کـه آـورـده بـود پـرسـیـدـم کـه اـین
خـاـکـ چـیـسـتـ؟ گـفـتـ: خـاـکـ قـبـرـ اـمـامـ حـسـيـنـ عـلـيـهـ السـلـامـ اـسـتـ وـ هـرـ گـزـ آـنـ حـضـرـتـ اـزـ جـامـهـ وـ غـيرـ جـامـهـ
چـیـزـیـ بـهـ جـایـیـ نـمـیـ فـرـسـتـدـ مـگـرـ آـنـکـهـ اـینـ خـاـکـ رـاـ دـرـمـیـاـنـشـ مـیـ گـذـارـدـ وـ مـیـ فـرـمـایـدـ اـینـ اـمـانـ اـسـتـ اـزـ
بـلـاهـاـ بـهـ اـذـنـ وـ مـشـیـتـ خـداـ.

سوم روایت است که عبدالله بن ابی یعفور به خدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که یک
شخص از خاک قبر امام حسین علیه السلام بر می دارد و منتفع می شود و دیگری بر می دارد و منتفع
نمی شود فرمود که نه والله هر که بردارد و اعتقاد داشته باشد که به او نفع می بخشد البته منتفع می
شود.

چهارم از ابو حمزه ثمالی روایت است که عرض کردم به حضرت صادق علیه السلام که می بینم اصحاب
ما می گیرند خاک قبر امام حسین علیه السلام را و طلب شفا از آن می کنند آیا شفا در آن هست
فرمود که طلب شفا می توان کرد از خاکی که بردارند از میان قبر تا چهار میل و همچنین است خاک
قبر جده رسول خدا صلی الله علیه و آله و قبر امام حسن و امام زین العابدین و امام محمد باقر علیهم
السلام پس بگیر از آن خاک که آن شفای هر درد است و سپری است برای دفع هر چه از آن ترسی و
هیچ چیز به آن برابری نمی کند از چیزهایی که از آن شفا طلب می کنند به غیر از دعا و چیزی که آن
را فاسد می کند آن است که در ظرفها و جاهای بد می گذارند و آنها که معالجه به آن می کنند کم



است یقین ایشان. هر که یقین داشته باشد که این از برای او شفا است هرگاه معالجه به آن کند او را کافی خواهد بود و محتاج به دوای دیگر نخواهد شد و فاسد می گردانند آن تربت را شیاطین و کافران از جنیان که خود را برابر آن می مالند و بهر چیز که می گذرد آن تربت، آن را بومی کنند و اما شیاطین و کافران جن پس حسد می برنند فرزندان آدم را برابر آن و خود را برابر آن می مالند که اکثر نیکی و بوی خوشش برطرف می شود و هیچ تربت از حایر بیرون نمی آید مگر مهیا می شوند از شیاطین و کافران جن از برای آن تربت آن قدر که عدد ایشان را کسی به غیر از خدا احصا نمی تواند کرد و آن تربت در دست صاحبیش است و ایشان خود را برابر آن می مالند و ملائکه نمی گذارند ایشان را که داخل حایر شوند و اگر تربت سالم از اینها بماند هر بیمار را که به آن معالجه نمایند البته در آن ساعت شفا می یابد پس چون تربت را برداری پنهان کن و نام خدا بر آن بسیار بخوان و شنیده ام که بعضی از آنها که تربت را برمی دارند آن را سبک می شمارند حتی بعضی از ایشان آن را در توبره چهارپایان می اندازند یا در ظرف طعام یا چیزهایی که دست بر آن بسیار مالیده شود از خورجین ها و جوالها پس چگونه شفا یابد از آن کسی که به این نوع آن را حرمت دارد ولکن دلی که در آن یقین نیست و سبک می شمارد چیزی را که صلاحش در آن است عمل خود را فاسد می کند.

پنجم روایت شده که هرگاه یکی از شما خواهد که بردارد تربت را به اطراف انجشتان بردارد و قدر آن مثل نخود است ببوسد آن را و بر هر دو دیده گذارد و بر سایر بدن بمالد و بگوید:

اللَّهُمَّ إِنِّيْ هُدِّيْتُ إِلَيْكُمْ وَإِنِّيْ أَنْهَاكُمْ
وَإِنِّيْ أَنْهَاكُمْ مَنْ حَلَّ بِهَا وَمَنْ يَحْقِّقُ جَلَانِيْ
وَأَمِّيْ وَأَيْمَيْ وَأَخِيْ وَالْأَئِمَّةِ مِنْ وَلِيْنِيْ

وَبِحَقِّ



**المَلَائِكَةِ أَنْهُ آفَينَ بِهِ إِلَّا جَعَلْتَهُ أَشِفَّ آءًَ مِنْ كُلِّ دَآءٍ وَبُرْءَاءِ مِنْ كُلِّ مَرَضٍ وَجَاهَهُ مِنْ كُلِّ آفَهٍ
وَحِرْزًا مِمَّا أَخَافُ وَأَحَذَرُ**

پس آن را استعمال نماید و روایت شده که مهر کردن تربت امام حسین علیه السلام آنست که بر آن سوره انا آنزلناه فی لیلۃ القدر بخوانی و نیز روایت شده که هرگاه تربت را بخوری یا به کسی بخورانی بگو :

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ الْأَكْبَرِ اجْعَلْهُ رِزْقًا وَاسِعًا وَعِلْمًا نافِعاً وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٍ

مؤلف گوید که فوائد تربت شریفه آن حضرت بسیار است از جمله آنکه مستحب است با میت در قبر گذاشتن و کفن را به آن نوشتن و دیگر سجده کردن بر آنست که روایت شده که سجده بر آن هفت حجاب را می درد یعنی باعث قبولی نماز می شود که به آسمانها بالا می رود و دیگر تسبیح از تربت آن حضرت ساختن و به آن تسبیح ذکر کردن و در دست داشتن است که فضیلت عظیم دارد و از خاصیتیش آنست که در دست آدمی تسبیح می گوید بی آنکه صاحبیش تسبیح بگوید و معلوم است که این تسبیح غیر از آن تسبیحی است که در همه اشیاء است کما قال الله تعالی:

وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يَسْبِحُ بِحَمْلِنَا وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ لَسْبِيحَهُمْ



و عارف رومی در معنی آن گفته :

با تو ذرّات جهان همراز شد	گر تو را از غیب چشمی باز شد
هست محسوس حواسّ اهل دل	نطق خاک و نطق آب و نطق گل
با تو میگویند روزان وشبان	جمله ذرّات در عالم نهان
با شما نامحرمان ما خامشیم	ما سَمِيعِیم و بَصِیر و بَاهْشِیم
غلغل اجزای عالم بشنوید	از جمادی سوی جان جان شوید
وسوسه تأویلها بزدایدت	فاش تسبیح جمادات آیدت

بالجمله این تسبیحی که در این روایت است تسبیحی است که از خصوصیات تربت حضرت سید الشّهداء آرواخنا لَهُ الْفِداء است.

ششم از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که هر که بگرداند تسبیح تربت امام حسین علیه السلام را و بگوید: ((سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ)) با هر دانه بنویسد حق تعالی از برای او شش هزار حسن و محو کند از او شش هزار گناه و بلند کند از برای او شش هزار درجه و بنویسد از برای او شش هزار شفاعت و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که بگرداند سنگ هائی را که از تربت امام حسین علیه السلام می سازند یعنی تسبیح پخته پس یکبار استغفار کند هفتاد استغفار از برای او نوشته می شود و اگر تسبیحی را در دست نگاه دارد و تسبیح نگوید به عدد هر حبّه هفت مرتبه از برای او نوشته می شود

هفتم در حدیث معتبر منقول است که چون حضرت صادق علیه السلام به عراق تشریف آوردند گروهی نزد آن حضرت آمدند و عرض کردند که دانسته ایم تربت امام حسین علیه السلام موجب شفای هر درد است آیا باعث اینمی از هر خوف هست فرمود بله هرگاه کسی خواهد که او را از هر



بیمی امان بخشد باید تسبیحی که از تربت آن حضرت ساخته باشند در دست بگیرد و سه مرتبه این دعا را بخواند:

أَصْبَحْتُ اللَّهُمَّ مُعْتَصِمًا بِذِمَّةِ أَبِيكَ الْمُتَّيْعِ الَّذِي لَا يُطَاقُولُ وَلَا يُحَاوَلُ مِنْ شَرِّ كُلِّ غَاشِمٍ
وَطَارِقٍ مِنْ سَائِرِ مَنْ

خَلَقْتَ وَمَا خَلَقْتَ مِنْ خَلْقِكَ الصَّامِتِ وَالنَّاطِقِ فِي جَنَّةٍ مِنْ كُلِّ مَخْوِفٍ بِلِباسٍ سَابِغٍ حَصِينٍ وَهِيَ
وَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٌ

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مُحْجَزاً مِنْ كُلِّ قَاصِدٍ لِإِلَى أَذِيَّهِ بِحَدَارٍ حَصِينٍ الْإِخْلَاصِ فِي الاعْتِرَافِ
بِحَقِّهِمْ وَالْتَّمَسُّكِ بِحَبْلِهِمْ جَمِيعاً

مُوقناً أَنَّ الْحَقَّ لَهُمْ وَمَعَهُمْ وَمِنْهُمْ وَبِهِمْ وَإِلَيْهِمْ أَوْلَى مَنْ وَالْوَاءُ أَعْادِي مَنْ عَادُوا وَأَجَانِبُ مَنْ جَانَبُوا
فَصَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ



وَأَعِذْنِي اللَّهُمَّ مِنْ شَرِّ كُلٍّ مَا أَتَقِيهِ يَا عَظِيمُ حَجَزُ الْأَعَادِيَّ عَنِّي يَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّا جَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًا فَأَغْشَيْنَا هُمْ فَهُمْ لَا يَبْصِرُونَ

پس تسبیح را ببوسد و بر هر دو چشم بمالد و بگوید:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذِهِ التُّرْتِهِ الْبَارَكَةِ وَبِحَقِّ صَاحِبِهَا وَبِحَقِّ جَلَّ وَبِحَقِّ آيَهِ وَبِحَقِّ أُمِّهِ وَبِحَقِّ أَخِيهِ

وَبِحَقِّ وُلْدِ الطَّاهِرِينَ اجْعَلْهَا شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَامانًا مِنْ كُلِّ خَوْفٍ وَحِفْظًا مِنْ كُلِّ سُوءٍ

پس تسبیح را بر جین خود بگذارد پس اگر در صبح چنین کند در امان خدا باشد تا شام و اگر در شام چنین کند در امان خدا باشد تا صبح و در روایت دیگر منقول است که هر که از پادشاهی یا غیر او ترسد چون از خانه بیرون آید چنین کند تا حرزی باشد او را از شر ایشان

مؤلف گوید که مشهور میان علماء آن است که خوردن گل و خاک مطلقاً جایز نیست مگر تربت مقدسه امام حسین علیه السلام به قصد شفا بی قصد لذت به قدر نخودی بلکه احوط آن است که به قدر عدسی باشد و خوبست که تربت را در دهان بگذارد و بعد از آن جرعه ای از آب بخورد و بگوید ((اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ رِزْقًا وَاسِعًا وَعِلْمًا نافِعاً وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسُقُمٍ)) علامه مجلسی ره فرموده احوط آن است که مهر و تسبیح و تربت آن حضرت را نخرند و نفوروشند بلکه به هدیه و بخشش بدھند و در برابر آنها اگر تراضی کنند بی آنکه اول شرط کرده باشند شاید بد نباشد چنانچه در



حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که خاک قبر امام حسین علیه السلام را بفروشد چنان است که گوشت آن حضرت را فروخته و خریده باشد

مؤلف گوید که شیخ ما محدث متبحر ثقه الاسلام نوری ره در دارالسلام نقل فرموده که روزی یکی از برادران من به خدمت مرحومه والده ام رسید مادرم دید که تربت امام حسین علیه السلام را در جیب پایین قبای خود گذاشته مادرم او را زجر کرد که این بی ادبی است به تربت مقدسه چه آنکه بسا شود در زیر ران واقع شود و شکسته گردد برادرم گفت چنین است که فرمودی و تا به حال دو مهر شکسته ام ولکن عهد کرد که من بعد در جیب پایین نگذارد پس چند روزی از این قضیه گذشت علامه والدم در خواب دید بدون اینکه از این مطلب اطلاع داشته باشد که مولای ما حضرت ابو عبدالله الحسین علیه السلام به زیارت او تشریف آورد و در اطاق کتابخانه نشست و ملاطفت و مهربانی بسیار کرد و فرمود بخوان پسران خود را بیایند تا آنها را اکرام کنم پس والد پسرها را طلبید و با من پنج نفر بودند پس ایستادند در مقابل آن حضرت و در نزد آن حضرت از جامه و چیزهای دیگر بود پس یک یک را می خواند و چیزی از آنها به او می داد پس نوبت به برادر مزبور سلمه الله رسید حضرت نظری بر او افکند مانند کسی که در غصب باشد و التفات فرمود بسوی والد مرحوم و فرمود این پسر تو دو تربت از تربتهاي قبر من در زیر ران خود شکسته است پس مثل برادران دیگر او را نخواند بلکه افکند بسوی او چیزی و الان در ذهنم است که گویا قاب شانه ترمه به او داد پس علامه والد بیدار شد و خواب خود را برای مرحومه والده نقل کرد و والده حکایت را برای ایشان بیان کرد والد تعجب کرد از صدق این خواب.